

پزشکان بنگلادشی شیوع و بارانیز قریب-
الوقوع میدانند چونکه اکنون تعدادی بیمار
وبائی مشاهده شده است.

خیل عظیم

حقیقت آنکه پذیرایی از این خیل عظیم
مهمانان ناخوانده از قدرت تحمل بنگلادش
هشتاد میلیون کی فقیترترین کشور دنیا شناخته
شده، خارج است و لذا بنگلادش دست نیار
بسوی سازمانهای خیریه بین المللی و کشورهای
مسلمان دراز کرده است.

سه هفته قبل ژوستین صدق، رئیس
صلیب سرخ بنگلادش اعتراف کرد که «ذخایر
آذوقه و داروی منافق کفاف تایک ماه دیگر را
می دهد، بدین لحاظ اگر از خارج کمک نرسد،
نمیدانیم باید چه خاکی بر سر ریخت؟

به اعتقاد منابع مطلع، آوارگان در حد
فاصل سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۳ یعنی در دوره ای
که این بخش از آسیا جزو قلمرو امپراطوری
انگلیس به شمار می رفت، از منطقه چیتاگونگ
ایالت آراکان کوچ کردند و در آن زمان هم
بنگلادش و برمه به صورت امروزی وجود
نداشتند و در واقع جابجا شدن این گروه تغییر
محل سکونت در محدوده هند انگلیس محسوب
می شد.

ولی طرد مسلمانان از منطقه آراکان از
سال ۱۹۴۲ م ریشه گرفت.

در آن سال متجاوزان ۴۰۰/۰۰۰ مسلمان
از آراکان اخراج شدند، لیکن این عده در سال
۱۹۴۸ یعنی در سالی که برمه استقلال گرفت،
مجدداً به آنجا بازگشتند.

به اعتقاد منابع آگاه آوارگان به دودلیل
مورد کم لطفی حکومت برانگیز قرار گرفته اند:
اول بدلیل آنکه در بهترین و حاصلخیز
ترین اراضی برنج خیز کشور زندگی میکردند

و در نتیجه سطح زندگی شان بد درجات بالاتر از
سطح زندگی برمه ای ها بود.

کار بجائی کشیده بود که «آپاهو» رابع
عنوان قهرمان ملی انتخاب کرده و شعارهای
استقلال طلبانه میدادند.

نهضت اخراج بیگانگان از برمه از آغاز
سال جاری و تحت عنوان «عملیات آزدها»
انجام گرفت عملیات حکم می کرد که هر کس
اوراق هویت و تبعیت برمه را نداشت اخراج
گردد انجام عملیات بازرسی به ارتش محول
شد و سر یازان نیز در راه امتثال امر از هیچ
گونه خشونت فری کذار نکردند!

گفته می شود که بسیاری از بنگلادشیها
در طول سالهای گذشته تابعیت برمه را پذیرفته
بودند و اوراق تابعیت آن کشور را در دست
داشتند، اما مقامات مربوط با توسل به یک
حقه کثیف از آن هاسلب تابعیت کردند و آوارهای
بنام «ماچایناما» ساکن اردوگاه کوتو پالونگ
از این نیرنگ برده برداشته است.

«ماموران دولت به ما مراجعه کردند و اوراق
تابعیت ما را گرفتند و آن ها رایبه پنهان برسی
با خود بردند، وقتی برای پس گرفتن اوراق
مذکور مراجعه کردیم آن ها منکر شدند و به
عوض آنکه اوراق تابعیت ما را پس بدهند،
از ما خواستند که اوراق تابعیتمان را ارائه
بدهیم! وثابت کنیم که برمه ای هستیم! و چون
مدرکی در دست نداشتیم، ما رایبه عذر بنگلادشی
بیودن و عبور بی اجازه از مرز به بنگلادش
فرستادند! اما ای کش این کار بدون تبعیض
می کردند. آنها سالمندان، زنان و کودکان
را بیرون کردند و مردان جوان و قوی بنیهر
دست چین کردند و برای بیگاری به اردوگاههای
اجباری فرستادند!»

● ترجمه و خلاصه از مجله اشیکل (آلمان)

شیعیان کشمیر چنانته نظاری از برادران ایرانی خود دارند؟

عنوان " ایران کوچک" را ساکنان
" کشمیر" هندوستان بخره سبزی و بر
برکت محل سکونت خویش داده اند که
چندان بی تناسب هم نیست و حقیقت
این است که وجود مشابهت ها و وجوه
اشتراک فراوان بین ایران و کشمیر از حیث
زیباشیهای طبیعی و فراوانی نعمت و
حاصلخیزی زمین و بسیاری آب و اعتدال
هوا، چنین عنوانی را ایجاب می کند.

برای اطلاع بیشتر خوانندگان
لازم به تذکر می دانم که توضیح زیر را
بنویسم: کشمیر کنونی به دو بخش تقسیم
شده است که بخش کوچک آن در دست
حکومت جمهوری پاکستان و بخش بزرگ آن
جزء قلمرو حکومت هند است.

مردم کشمیر عموماً (حدود ۹۸٪)
مسلمان هستند و شهر زیبائی " سرینگر"
(Sri-Nagar) که مرکز ایالت
کشمیر در قلمرو هند است دارای چهره
کاملاً اسلامی است نامهایی که به عنوان
تابلو مغازه ها بچشم می خورد سناحد و
مناره های سرنگل کشیده آن و پوشش
ریشا حکایت از مسلمان بودن مردم شهر
دارد.

شمس الدین حسینی نائینی

با اوضاع شیعیان

کشمیر

آشناتوم

سابقه تاریخی کشمیر

با ورود مرحوم سید علی همدانی
روحانی بلند آوازه قرن ششم هجری بخره
کشمیر، اسلام بخاک این سرزمین مشهور
قدم گذاشت، و با همت و قدرت معنوی
آن بزرگ مرد پس از چندی همه جا را فرا
گرفت هنوز هم احقاد و اعقاب آن مرحوم
در آنجا هستند، و بنام " سادات حسینی
همدانی" پاسدار مذهب شیعه و زبان و
فرهنگ فارسی هستند.

طبق گفته بروفسور مولانا " کلب
عابد" مشهورترین روحانی شیعه در سراسر

خاک هند و رئیس قسمت الهیات شیعه در دانشگاه اسلامی علیگر، روزگاری اکثریت قریب باتفاق مسلمانان کشمیر، شیعه بودند ولی شیعیان که همیشه با ستمگران سرسبز و مخالفت داشته اند و در تمام طول حیات تاریخی خود مورد تعقیب و شکنجه بوده اند در این سرزمین بیش از همه جا مورد تجاوز حکومت های جائز و ستمگر بوده اند.

در قرن ۱۵-۱۶ میلادی اکثریت مردم کشمیر شیعه بوده اند (در زمان حکومت مغول ها که حکومت در دست ولات سنی بود) ولی پس از حکومت مغول ها مدتی پادشاهان درانی بر این خطه حکمرانی کردند آنان سنی های بسیار متعصب و خشن و ستمگر بودند و آن زمان شیعه سخت ترین حیات تاریخی خود را گذرانید، خصوصاً در زمان حکومت سرداری بنام "اسدخان" که در گشتار شیعه بیداد کرد، و آنقدر از شیعه کشت که این شعر بصورت ضرب المثل درآمد "سر بریدن پیش این ستمگدان کل جیدن است"

مستشرق بنام "ارلارتش" در آن زمان کتابی نوشته است بنام والی کشمیرا و وضع و روزگار شیعه مسلمانان را در این کتاب چنین شرح می دهد:

شیعیان در کشمیر از ترس حکومتها بکوه ها و غارها و زیر زمین ها پناه بردند

و عده زیادی روزانه از شدت گرسنگی می مردند و مامورین دولتی روزانه صدها نفر از شیعیان را در جوال های سر بسته مریختند و آنها را در آب می انداختند و نابود می کردند و همین امر یکی از علل تقلیل جمعیت شیعه شد.

در باره وضع امروز مردم کشمیر نگارنده با یکی از روحانیون شیعه که ضنا تنها نماینده مجلس ملی ایالتی است در خرداد ماه سال جاری بگفتگو نشستیم و بیانات او را در این مقاله منعکس می کنیم.

مولانا (لقب روحانیون هند) افتخار حسین انصاری" تحصیل کرده نجف است و مورد احترام اهالی کشمیر است و همه حتی برادران اهل تشن او را می شناسند و در یک بحث و گفتگوی ۳ ساعته مطالبی را بیان کرد که نااستمناط از گفته هایش کلام را ادامه می دهیم.

امروز هم حکومت در دست سنیها است و در تمام دواجر دولتی و کارهای مهم کشمیر آنها همه کاره اند اقتصاد ملی را آنها قبضه کرده اند از ۷۳ نماینده محلی تنها یک نفر شیعه است. (خود آقای انصاری) که آنهم طبعاً در اقلیت است و کارهای بزرگ از او ساخته نیست، جوانها، امروز هم که آزادی عقیده و مذهب مطرح است بعقل مختلف اجتماعی و اقتصادی و روانی در خطر تغییر مذهب هستند، مگر نه این است که رئیس حکومت

محلی سنی متعصبی بنام شیخ عبداللہ معروف بشیر کشمیر است و تمام پست ها را آنها قبضه کرده اند.

طبیعی است موقعی که جوانی در همه جا خود را در اقلیت می بیند و مورد تحقیر واقع می شود به سنی بودن تظاهر می کند و کم کم در اثر معاشرت تحت تاثیر قرار می گیرد.

بلاوه قدرت تبلیغات مذهبی اهل سنت زیاد تر است و این بعلت این است که از نظر اقتصادی بوسیله کمکهای مالی عربستان سعودی حوزه های علمیه آنها مجهز تر است.

از مولانا سؤال کردم که ایران چه نوع کمکهایی می تواند به عنوان یک کشور شیعی برادر نسبت بشما داشته باشد در پاسخ گفتند ما از برادران ایرانی خود به نوع کمک انتظار داریم:

۱- چون اکثر مردم بخصوص زنان و دختران کشمیری بکارهای دستی اشتغال دارند و مشاغلی از قبیل قالسی باقی و بافتن کارهای پشمی از قبیل شال کشمیر و ايجاد نقشهای مخصوص بر روی پارچه ها از کارهای اصلی آنها است و مردان هم غالباً در کارگاهها بر روی کارهای چوبی و ساختن ابزار و لوازم رستی چوبی کار می کنند کارگران شیعه مجبورند که محصول رحمت خود را با بهای بسیار نازل در اختیار تجار اهل سنت قرار دهند و باین

طریق استثمار شوند اخیراً بفکر افتادیم که با همت عده ای از برادران شیعه تجارتخانه های تأسیس کنیم و این کار هم عملی شد ولی متأسفانه در بازار رقابت اقتصادی آنها از ما جلوتر هستند، ما از تجار شیعه ایرانی که در کشورهای غربی فعالیت دارند و هم چنین از تجار ایرانی تقاضا داریم که با ما روابط تجاری داشته باشند این کار بما امکان میدهد که سطح اقتصاد و درآمد کارگران فقیر شیعه را بالا ببریم و از نظر روحی آنها را بزندگی خود امیدوار نمائیم.

۲- از نظر تبلیغاتی شیعیان کشمیر از نظر کتاب و نشریه در رحمت هستند، هم چنین احتیاج بملفین و معلمین آرموده دارند که اسلام و ویژگیهای مکتب شیعه را برای مسلمانان آن خطه تشریح کند و این وظیفه مقامات روحانی شیعه است که از بودجه ای که در اختیار دارند کتاب و نشریه و مبلغ در اختیار ما قرار دهند و باین در ارتباط باشند متأسفانه در این باره اقدامات لازم بعمل نیامده است و باوجود اینکه چند بار از مقامات عالیتره دینی استمداد شده است ولی هنوز در انتظار اقدامات آنها هستیم.

۳- همه ساله در فصلی که فروردینماه ایرانیان مصادف است شیعیان جاموو کشمیر کنفرانسی دارند و در آن از طرف دانشمندان و صاحب نظران شیعه

پیامبران یک رشته اهداف انسانی و اجتماعی را تعقیب می‌کند که با انسداد توحیحی روشن می‌گردد.

قرآن از طرح داستان‌های عشقی پلیسی و جنایی و... برهیز می‌کند آنچنان عفت بیان دارد که اگر سخن به مسائل جنسی و عشقی برسد گفتنی‌ها را می‌گوید اما کوچکترین انحرافی از اصول عفت پیدا نمی‌کند.

نویسندگان حرفه‌ای امروز می‌گویند فصل شعبی درباره بیبائی چهره، کجی ابرو و ستبری سینه و قهرمان داستان سخن بگویند و در داستانهای پلیسی و جنائی کوشش می‌شود که به طرف راه‌فرار از قانون و این که در دام پلیس نیفتد آموخته شود و جنایت خود را آن چنان لوت کند که اثری از آن باقی نماند. حاشا که قرآن گرد این مباحث برود و در آن اشاره‌ای به بدآموزیها باشد.

دقت در مضمون آیه زیر ما را به سنانت و عفت بیان قرآن آشنایی سازد

وَرَأَوْنَهُ الْآلِهِي هُوَ فِي بَيْتِهِمَا
وَعَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْبْ لَكَ فَالْمَعَادُ
اللَّهُ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنُ مَنَاقِبًا إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
الظَّالِمُونَ.

بانویی که یوسف در خانه او بود از روی نفاضا و خواهش مصرانه کرد و تمام درها را بست و گفت بشتاب سوی آنچه که برای تو مهیا شده است. یوسف گفت:

تمام مواقع از مناعت در بیان و عفت در سخن کاملا برخوردار است.

x x x

ج - سومین مزیت داستانهای قرآن که بر بنای آثار تربیتی آن راتشکیل میدهد همان فزونی مایه‌های عبرت و درس‌های زندگی در سراسر داستان‌های آن است چه بسا در یک سرگذشت مانند داستان یوسف، چهل درس عبرت است که تنها به یک نکته اشاره می‌کنیم:

دقت در این سرگذشت ما را به یک اصل حساس که از هر نظر مایه اعتبار است رهبری می‌کند و روشن می‌سازد که اراده الهی بالاتر و برتر از تمام نقشه‌های شیطانی بشری است تا آنجا که خدا وسیله‌ای را که اساسی برای نابودی هم‌نوع خود فراهم می‌کند، وسیله ترقی او قرار میدهد.

برادران یوسف او را به جاه افکندند و او را به چند نفر هم فروختند و لسی همین کار، یل بیروزی او گردید و سب شد که در مهد عزت و در آغوش نعمت در میان قصرهای بزرگ عزیز مصر قرار گیرد. زلیخا او را متهم کرد و او را به زندان انداخت ولی همین زندان، برای او وسیله ترفیع مقام گردید سرانجام امین ملک فراغت مصر شد.^۱

برادران یوسف پیراهن خون‌آلودی را برای پدر آوردند و او از دیدن این منظره سخت متاثر گردید و آنچنان در دریای غم فرو رفت که بیبائی خود را از دست داد.^۲ ولی بار دیگر پیراهن یوسف مایه بازگشت بیبائی یعقوب گشت^۳ و گویی وسائل مادی جهان بیان سکه دور رسیده است و اگر اهریمن صفات آن بکروی آن استفاده کند اراده الهی اثر آن را خنثی ساخته و رویه دیگر آن را ظاهر می‌سازد.

- ۱- سوره یوسف آیه‌های ۵۴ و ۵۶
- ۲- سوره یوسف آیه ۸۴
- ۳- سوره یوسف آیه ۹۳

بقیه: شیعیان کشمیر...

دعوت می‌شود تا درباره مسائل و مشکلات و راههای مقابله با آن ببندیشم و اگر صاحب نظران و دانشمندان معتبر اسلامی در این راه ما را یاری دهند موجب کمال شکر ما است و ما را در راه پیشبرد هدفهای دینی یاری خواهد داد. در این راه چشم ما یکجک فکری اندیشمندان شیعه ایرانی است.